

بررسی نقش موزه‌های سبز در توسعه‌ی پایداری فرهنگی - اجتماعی

سارا کریمان*

چکیده

در این مقاله با مقدمه‌ای بر اهمیت موزه‌ها و جایگاه کنونی آن‌ها در نسبت با مسائل اجتماعی، به چستی و تاریخچه‌ی مختصری از موزه‌های سبز پرداخته خواهد شد. با توجه به تأکید بیش‌ازپیش موزه‌ها در تبیین مواضع راهبردی، چگونگی و اهمیت اثرگذاری موزه‌های سبز در توسعه‌ی پایداری فرهنگی - اجتماعی به‌عنوان مسئله‌ی تحقیق طرح می‌گردد. ضمن مروری بر اهم پژوهش‌های صورت در این زمینه، هدف از این تحقیق بازیابی اهمیت موزه‌های سبز نسبت به مسائل اجتماعی و به‌طور اخص مطالعه‌ی نقش آن‌ها در دستیابی به پایداری اجتماعی - فرهنگی بیان شده است؛ و این تحقیق در پی پاسخگویی به این سؤال اساسی است که موزه‌های سبز چگونه می‌توانند در توسعه‌ی پایداری فرهنگی - اجتماعی نقش‌آفرینی کنند؟ در این مقاله روش تحلیل توصیفی استنباطی مورد استفاده قرار گرفته است؛ و داده‌های تحقیق بر اساس مطالعه‌ی منابع کتابخانه‌ای و همچنین بررسی و مشاهده‌ی عملکرد موزه‌ها از ابتدای سده‌ی بیست و یکم گردآوری شده است. در ادامه مفاهیم پایداری اجتماعی - فرهنگی مرور می‌شود؛ و شاخصه‌های موزه‌ی سبز و اهمیت اجتماعی موزه‌ها بازگو می‌گردد. در آخر تأثیرات مستقیم و نقش آموزشی موزه‌های سبز در توسعه‌ی پایداری اجتماعی - فرهنگی در بخش نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: موزه، موزه سبز، پایداری فرهنگی - اجتماعی، توسعه پایداری

* کارشناس ارشد پژوهش هنر sara.kariman1987@gmail.com

مقدمه

موزه‌های سبز پدیده‌ای نسبتاً جدید هستند. بحث و گفتگوها در مورد پایداری محیط‌زیست در موزه‌ها از دهه ۱۹۹۰ آغاز شد و تا امروز ادامه دارد. در حال حاضر، موزه‌های سبز بسیار مورد توجه دانشگاهیان و رسانه‌های گروهی قرار گرفته است. برخی از محققان بر این باورند که تمرکز بر پایداری راهی است که در قرن بیست و یکم مورد توجه موزه‌ها قرار می‌گیرند (بروفی و وایلی، ۲۰۰۶).

عنوان موزه‌ی سبز پیوند ناگسستنی با مفهوم پایداری دارد، در واقع موزه‌های سبز راهکاری در نیل به آرمان پایداری فرهنگی- اجتماعی هستند.

عنوان موزه‌ی سبز به موزه‌هایی اطلاق می‌گردد که به نوعی با مفهوم « پایداری » در ارتباط هستند، این پیوستگی و ارتباط می‌تواند در وجوه گوناگون موزه‌ها بروز و ظهور نماید که شامل سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های موزه‌ای، بودجه‌بندی، شیوه‌ی نمایش و ارائه‌ی آثار و محتوی، رویدادها و نمایشگاه‌های فصلی و... است. بسیاری از موزه‌های سبز (نه الزاماً تمامی آن‌ها) با برنامه‌ریزی و ارائه‌ی محتوای آموزشی و طراحی برنامه‌هایی به آموزش حفاظت زیستی می‌پردازند.

دسته‌ای دیگر از موزه‌ها با داشتن ویژگی‌های معماری خویش که در اصطلاح بدان معماری پایدار می‌گویند در زمره‌ی موزه‌های سبز قرار می‌گیرند.

موزه‌های سبز در واقع فعالیت پایدار و همچنین طراحی‌های محافظ طبیعت خود را در جهت نشان دادن نگرش خود تفسیر می‌کنند. مفهوم پایداری همان‌طور که از واژه‌ی آن برمی‌آید، هماهنگی با محیط در حدی است که آن پدیده بتواند در مدت طولانی به حیات خویش ادامه دهد. منظور از محیط تمامی ابعاد و تعاریف محیط است: محیط اقلیمی، محیط کالبدی، محیط اجتماعی و...

موزه‌هایی با شعار «موزه‌ی سبز» غالباً به لحاظ عملکرد و محتوی و همچنین معماری به دنبال کمترین آسیب به طبیعت و برقراری هماهنگی هرچه بیشتر با محیط‌زیست پیرامونی خود هستند. به‌نوعی که با کمترین میزان مصرف انرژی و هزینه شرایط بقا و آسایش آن‌ها فراهم گردد. عصر سرمایه‌داری که با دخل و تصرف در طبیعت چرخه‌های ماشین‌آلات صنعتی و کارخانه‌های خود را به چرخش درآورد بیش از هر زمان دیگر پایداری طبیعت را در معرض تهدید قرارداد. مصرف بیش‌ازاندازه‌ی منابع طبیعی، تغییر کاربری در فضاهای طبیعی و زیست‌بوم‌های جانوری است، توسعه‌ی شهرها و بالا رفتن میزان آلودگی، همگی از تبعات عصر مدرن تغییر در شیوه‌ی زیست انسانی است.

موزه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهاد‌های فرهنگی و آموزشی عمومی همواره یکی از بهترین مواضع در جهت انتقال پیام و آموزش نکات فرهنگی و اجتماعی هستند. جنبش موزه‌های سبز نخست در فعالیت‌های آموزشی کودکان در موزه آغاز شد. در سال ۲۰۰۵ موزه‌ی کودک بروکلین موفق به دریافت گواهی* LEED شد.

بیان مسئله

رویکردهای متأخر و معاصر موزه‌داری تبیین‌گر نقش و اهمیت موزه‌ها نسبت به مسائل اجتماعی است. چنانچه موزه‌ها بیش‌ازپیش موظف به اخذ مواضع روشن و پاسخگویی و ارائه‌ی راهکار در موقعیت‌های مختلف اجتماعی هستند، طبق آخرین تعریف ارائه‌شده از سوی کمیته‌ی بین‌المللی

* -Leadership in Energy and Environmental Design

رهبری در طراحی انرژی و محیط‌زیست (LEED) یک برنامه صدور گواهینامه ساختمان سبز است که در سراسر جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد

موزه‌ها: «موزه‌ها فضاهایی مردم‌سالارانه، فراگیر و چندصدایی برای گفتگویی منتقدانه پیرامون گذشته‌ها و آینده‌ها هستند. موزه‌ها ضمن به رسمیت شناختن و حل کردن تضادها و چالش‌های زمان حال، نگهدارنده اشیا و نمونه‌های تاریخی ارزشمند به نفع جامعه، حفظ‌کننده خاطرات متنوع گذشته برای نسل‌های آینده‌اند و تضمین‌کننده برابری حقوق و دسترسی به میراث برای همگان هستند.» (www.icom.com)

بدین شرح موزه به‌عنوان نهادی مسئول و پر قدرت نقشی غیرقابل‌انکار در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی دارد. در این مقاله تلاش می‌گردد تا نقش و اهمیت موزه‌ها در دستیابی به جامعه‌ی پایدار مورد بررسی قرار گیرد.

ادبیات موضوع

موضوع موزه‌های سبز متأخر و نوظهور است بنابراین تعداد تألیفات و تحقیقاتی که حول آن صورت گرفته است محدود و انگشت‌شمار است. از آن جمله می‌توان به کتاب «موزه‌های سبز: مقدمه بر اقدامات زیست‌محیطی»* (۲۰۱۳) نوشته‌ی سارا اِس. بروفی[□] و الیزابت وایلی[□] اشاره داشت. در این کتاب نویسندگان به اهمیت اقدامات موزه‌ها به‌عنوان نهادهای اجتماعی در حفاظت از محیط‌زیست و نقش الگویی و مدل‌سازی رفتار موزه‌ها پرداخته‌اند و در ادامه اذعان داشته‌اند که چگونه و با چه اقداماتی می‌توان به موزه‌ی سبز دست یافت. کتاب دیگر «پایداری محیط‌زیست در سایت‌های تاریخی و موزه‌ها»[□] نوشته‌ی سارا ساتن (۲۰۱۵) است. در این کتاب نیز ساتن^{**}، تجربیات خود را در اعمال راهکارهای دستیابی به موزه‌ی سبز در چندین پروژه بازگو و تأثیرات آن را در منطقه بررسی می‌نماید. در میان پژوهش‌ها و منابع فارسی‌زبان نیز نگارنده در حین نگارش به نمونه‌ی قابل‌توجهی برخورد نداشته‌ام و پروژه‌ی پژوهشی «در راه موزه سبز» از سوی

*-Green museum: A Primer on Environmental Practice

†- Sara S. Brophy

‡- Elizabeth Wylie

§- Environmental Sustainability at Historic Sites and Museums

** - Sarah Sutton

پژوهشگاه وزارت میراث فرهنگی و کمیته ملی موزه‌های کشور (۱۳۹۷) جهت اعمال استانداردهای حفاظتی در بخش‌های مختلف چندین موزه در استان‌های مختلف مثال‌زدنی است.

هدف تحقیق

هدف از این تحقیق بازیابی اهمیت موزه‌های سبز نسب به مسائل اجتماعی و به‌طور اخص مطالعه‌ی نقش آن‌ها در دستیابی به پایداری اجتماعی- فرهنگی است؛ و در گام بعد بامطالعه، معرفی شاخصه‌ها، نمونه‌های خارجی، دانش بومی‌سازی گردد و تلاشی برای پیاده‌سازی آن در سطح موزه‌های ملی و منطقه‌ای صورت پذیرد. همچنین در این مقاله تلاش می‌شود تا به این سؤال اصلی که موزه‌های سبز چگونه می‌توانند در توسعه‌ی پایداری فرهنگی- اجتماعی نقش‌آفرینی کنند؟ پاسخ داده شود.

روش‌شناسی

در این مقاله از روش تحلیل توصیفی استنباطی استفاده شده است؛ و داده‌های تحقیق بر اساس مطالعه‌ی منابع کتابخانه‌ای و همچنین بررسی و مشاهده‌ی عملکرد موزه‌ها از ابتدای سده‌ی بیست و یکم گردآوری شده است. همچنین مبانی و جستارهای مرتبط با چیستی پایداری اجتماعی و نحوه‌ی دستیابی به آن نیز گردآوری شده است.

پایداری فرهنگی- اجتماعی

مفهوم پایداری همواره با مضامین زیست‌محیطی گره‌خورده است، به‌گونه‌ای که توسعه پایداری امتداد و جریان بخشی فعالیت‌های رو به رشد، ضمن حفاظت و رعایت منابع زیستی معنا می‌دهد. توسعه پایداری دو محور اصلی دارد: الف) کیفیت زندگی انسان را بهبود بخشد (دیدگاه انسان‌گرا)

ب) قابلیت زیست و تنوع کره زمین را حفظ کند (مافی و داوری نژاد مقدم، ۱۳۹۱: ۳) پایداری علاوه بر مسائل زیست‌محیطی ابعاد دیگر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نیز دارد. سه رکن اصلی تحقق پایداری شامل پایداری زیست‌محیطی، پایداری اقتصادی و پایداری اجتماعی برای تحقق جامعه پایدار ضروری است. اگرچه نیل به موزه‌ی سبز رفتاری در راستای حفاظت محیط زیستی است اما جایگاه و نقش اجتماعی موزه‌ها، تأثیرات عمیق فرهنگی-اجتماعی را نیز به همراه دارد.

ریشه نگرش توسعه پایدار به نارضایتی از نتایج توسعه و رشد اجتماعی - اقتصادی در شهرها از منظر بوم‌شناختی (اکولوژی) برمی‌گردد. (کریمی و توکلی نیا، ۱۳۸۸: ۸۱). در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی افزون بر اهمیت یافتن آلودگی‌های محیطی، این نکته نیز روشن شد که مشکلات محیطی به- وجود آمده، ارتباط تنگاتنگی با نوع رابطه- انسان و محیط پیرامون او دارد؛ بنابراین، پذیرفتن مدل‌های سنتی رشد و توسعه به زیر سؤال رفت (فرهودی، رهنمایی و تیموری، ۱۳۹۰: ۹۰).

تا امروز مدل‌های مختلفی برای درک ارتباط بین سه اصل اساسی در توسعه پایدار صورت گرفته که اولین مدل آن با سه دایره به هم پیوسته است. این مدل از پایداری در جهت درک هر چه بهتر ما از نحوه پیوند و ارتباط سه عنصر اصلی زیست - محیطی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین، توجه به تعادل بین آنهاست و ما را در ارزیابی پویا از هر یک از این حوزه‌ها توانا می‌سازد. در مدل دوم (نمودار ۲)، توسعه پایدار به‌عنوان سه دایره متحدالمرکز زیست - محیطی، اجتماعی و اقتصادی و به‌عنوان سیستم‌های درون هم نشان داده شده و به این نکته اشاره دارد که اقتصاد در بستر جامعه است و تمام بخش‌های اقتصادی نیازمند روابط انسان‌ها هستند و دربرگیرنده طیف وسیعی از روابط کسانی است که تعادل کالا و خدمات را در جامعه برقرار می‌سازند. در مقابل، جامعه مکانی است که نیازهای اساسی مورداحتیاج انسان‌ها در آن برآورده می‌شود. (نسترن و قاسمی و هادی زاده زرگر، ۱۳۹۲: ۱۵۷)

در توسعه اجتماعی دگرگونی و تغییر جامعه در کلیت آن موردنظر نیست. توجه اساسی بیشتر بر تغییر بهبود زندگی و ارزیابی جریان‌ها و تحول اجتماعی است تا اینکه تغییر در یک سازمان و یا نهاد اجتماعی صورت پذیرد. از طرفی، استراتژی‌های توسعه اجتماعی در جهت بهبود کیفیت زندگی انسانی بوده، پاسخگویی به نیازهای انسانی را مدنظر قرار می‌دهد. از این‌رو، استراتژی‌های توسعه اجتماعی، نیازهای رفاهی، نیازهای فرهنگی و روانی، نیاز در تطبیق‌پذیری و نیاز به رشد و

ترقی را که در مجموع از عمده‌ترین نیازهای انسان در جامعه جدید بوده است، مورد توجه قرار می‌دهد (نظر پور ۱۳۷۸: ۳۶).

قضاوت و داوری در توسعه پایدار اجتماعی بر این مبناست که کدام جنبه‌های اجتماعی می‌تواند و می‌باید پایدار و حفظ شود و کدام می‌تواند یا حتماً باید تغییر یابد. تعریف توسعه پایدار اجتماعی با تعریف عمومی توسعه پایدار مطابقت دارد. از همین رو، سیاست‌های پایداری اجتماعی مستلزم این است که ادامه‌دار بوده، کاربرد آن برای سال‌های متمادی مورد توجه قرار گیرد تا توسعه پایدار اجتماعی را به عمل آورد (زال ۱۳۸۶: ۱۸).

در نهایت، می‌توان چنین گفت که پایداری اجتماعی به چگونگی ارتباط میان افراد، جامعه و جوامع توجه داشته است که برای دستیابی به این هدف، مدل‌هایی از توسعه انتخاب می‌شود. البته، با توجه به مرزهای فیزیکی موجود، در عمل باید گفت پایداری اجتماعی ناشی از اقداماتی در زمینه‌ی موضوعاتی اساسی، همچون عرصه‌های اجتماعی افراد و جامعه بوده و لذا دامنه‌ای از توسعه مهارت‌ها و نابرابری‌ها در زمینه‌ی زیست محیطی و فضایی را در بر گرفته است. در این میان، برای سنجش پایداری اجتماعی غیر از معیارهای سنتی، مانند عدالت و سلامتی می‌توان مفاهیم جدیدتری؛ از جمله شادی، رفاه و کیفیت زندگی را سنجش و ارزیابی کرد (کولانتونیو *et al*)*،
(۳: ۲۰۰۹)

فرهنگ یک «چیز» نیست اما یک ایده یک مفهوم یک ساختار است؛ عنوانی برای بسیاری از چیزها که مردم فکر می‌کنند، اعتقاد دارند و انجام می‌دهند و یا چگونه آن را انجام می‌دهند. تعریف ریشه‌ای تایلور؛ انسان‌شناس انگلیسی در سال ۱۸۷۱ این بود که فرهنگ یک کل پیچیده است که شامل دانش، عقاید، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و سنن و هر قابلیت و عادات دیگری است که توسط فرد به‌مثابه عضو از جامعه به دست می‌آورد (برزگر، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

توسعه فرهنگی جامعه محلی به‌عنوان فرآیندی جمعی شناخته می‌شود و اغلب شامل خلاقیت‌هایی است که در مقیاسی وسیع تبیین می‌گردند این امر شامل تغییرات در زندگی مردم و مزایای توسعه‌ای و توسعه فرهنگی جامعه در واقع بخشی از بلندمدت برای جامعه است چارچوب در حال گسترش پایداری محسوب می‌شود که به جوامع، فرصت بازگو کردن داستان‌هایشان و همچنین تکوین مهارت‌های خلاقانه و مشارکت فعالانه در توسعه فرهنگ را می‌دهد. توسعه فرهنگی جامعه

* - Colantonio et al

قادر خواهد بود با استفاده از هنر و فرهنگ به عنوان ابزار، امکان معرفی مدل‌های مناسب پایداری را درون جامعه فراهم سازد. چنین نیست که همچون دیگر مدل‌های توسعه پایدار، مدلی واحد هم برای توسعه فرهنگی وجود داشته باشد (صالحی، ۱۳۸۹: ۸۶)

به طور خلاصه توسعه فرهنگی جامعه و پایداری فرهنگی در جامعه به معنای افزایش کیفیت بهتر زندگی در طول زمان می‌باشد. (نانسی دوکس پری و رایلین گیلت*، ۲۰۰۷: ۵) توسعه فرهنگی جامعه ابزاری است که به ترویج حس مکان، توانمندسازی و مشارکت عمومی همه مؤلفه‌های کلیدی در توسعه پایدار اجتماعی منجر می‌شود. (همان، ۸)

بعد فرهنگی توسعه مجموعه‌ای از ترکیب‌های روانی - جامعه‌شناختی، عوامل اقتصادی فن شناختی علمی را در برمی‌گیرد که برای بهبود شرایط زندگی و اخلاقی مردم، بدون ایجاد جهش و حرکتی خشن در شیوه زندگی و چگونگی اندیشه برای موفقیت طرح و برنامه‌های توسعه به کار می‌رود (نونایخش، ۱۳۸۸: ۶۷)

شاخصه‌ی موزه‌های سبز

چگونه موزه معیارهای لازم برای ساخت نمایشگاه‌های سبز را اعمال می‌کند؟ سازمان‌ها در حال مطالعه و بررسی جهت تدوین یک نظام استاندارد رتبه‌بندی، برای نیازهای خاص نمایشگاه‌های سبز هستند. در سال ۲۰۰۷، موزه علوم و صنعت اورگان (OMSI)[‡] راهکارهایی برای کمک به موزه‌ها در ارزیابی پایداری نمایشگاه‌های خود منتشر. OMSI، یک مرکز منابع علمی، آموزشی و فرهنگی، برای صدور گواهینامه نمایشگاه سبز OMSI، به شورای رهبری ساختمان سبز (USGBC)[‡] برای رتبه‌بندی در نظام انرژی و طراحی محیط‌زیست (LEED)[§] ارائه کرد. مؤلفه‌های لازم‌الاجرا در موزه‌های سبز رعایت و توجه به نکات زیر است: مواد قابل تجدید سریع، استفاده مجدد از منابع، محتوای بازیافت شده، ارزیابی طول حیات مواد، مواد کم ساطع، چوب مجاز، حفاظت، مواد منطقه‌ای بومی. (https://en.wikipedia.org/wiki/Green_museum)

* - Nancy Duxbury and Eileen Gillette

† - Oregon Museum of Science and Industry

‡ - U.S. Green Building Council

§ - Leadership in Energy and Environmental Design

اهمیت اجتماعی موزه‌ها

موزه مظهر اندیشه و تفکر هر جامعه است و جنبه‌ی نمادین دارد؛ بنابراین آنچه در موزه ساخته و پرداخته می‌شود علاوه بر تأثیرات مستقیم آموزشی آن، شعار و باوری است که برای پیشبرد جامعه طراحی می‌شود و تجسد می‌یابد. طراحی معماری ساختمان یک موزه و انواع رویدادهای آن‌ها، موجب تولید بسامدهای نمادین فرهنگی هستند.

در قرن بیست و یکم موزه‌ها بیش‌ازپیش به نهادهایی با مسئولیت اجتماعی تبدیل شدند تا آنجا که حوزه‌ی مطالعات جامعه‌شناسی موزه از دهه ۱۹۹۰ مستقلاً پایه‌ریزی و پیگیری شد. همچنین شورای بین‌المللی موزه‌ها نیز در سال‌های اخیر محور رویدادهای علمی، اجرایی و مطالعاتی خود را حول جایگاه اجتماعی موزه‌ها طراحی کرده است (کریش برگ*، ۲۰۱۵).

بنابراین موزه‌ها با تصمیمات و رویکردهای اتخاذی جریان‌ات فرهنگی را هدایت می‌کنند و بسیاری از کنش‌های اجتماعی را الگوسازی می‌نمایند.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شده توسعه‌ی فرهنگی - اجتماعی مرهون مجموعه برنامه‌ریزی‌ها و اقداماتی است که در نهایت منجر به بالا بردن کیفیت زندگی افراد جامعه و رشد دیگر شاخصه‌های کیفی اجتماعی است. امروزه موزه‌ها نسبت به توسعه‌ی فرهنگی جایگاه بی‌بدیل دارند. همچنین نقش آن‌ها در توسعه اجتماعی نیز با نهادهای آموزشی و مرتبط برابری می‌کند؛ بنابراین موزه‌های سبز و حرکت به سوی اعمال شاخصه‌های موزه‌های سبز گامی مؤثر در راستای دستیابی به توسعه‌ی پایداری فرهنگی اجتماعی است، چراکه موزه‌ها اغلب به‌عنوان نمادهای شهری، تعاملی پویا با شهروندان خود داشته و علاوه بر اینکه مستقلاً در بهره‌گیری از منابع، انرژی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و رویدادها از استانداردها و آموزه‌های موزه‌ی سبز پیروی می‌کند. در هنگام بازدید این آموزه‌ها را به بازدیدکنندگان منتقل می‌نماید و اصول آن را نیز ترویج می‌نماید.

* - Kirchberg

Study the role of green museums in the development of socio-cultural sustainability

Sara Kariman

Abstract

In this article, with an introduction to the importance of museums and their current position in relation to social issues, the brief history of green museums will be discussed. Due to the increasing emphasis of museums in explaining strategic positions, how and the importance of green museums in the development of socio-cultural sustainability is proposed as a research issue. While reviewing the importance of facial research in this field, the purpose of this study is to recover the importance of green museums in relation to social issues and in particular to study their role in achieving socio-cultural sustainability. And this research seeks to answer the fundamental question of how green museums can play a role in the development of socio-cultural sustainability In this paper, the method of inferential descriptive analysis is used. And research data have been collected based on the study of library resources as well as the study and observation of the performance of museums since the beginning of the 21st century. Finally, the direct effects and educational role of green

museums in the development of socio-cultural sustainability are presented in the conclusion section.

منابع و مأخذ

- آزموده گیالندهی، مصطفی؛ سازگار، مائده (۱۳۹۳). بررسی تأثیر فرهنگ و توسعه پایدار اجتماعی در جامعه، ۱۳۹۳، دومین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط‌زیست، همدان دانشکده شهید مفتح
- برزگر، ماریا، یوسف نیا پاشا، مجید (۱۳۹۱). فرهنگ معماری و طراحی، چاپ اول، انتشارات شلفین، تهران
- پورتولری، ملیحه و فلاح، محمدحسن (۱۳۹۴). بررسی نقش فرهنگ در توسعه پایدار اجتماعی تأثیر فرهنگ و بر مؤلفه‌های پایداری اجتماعی، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و زیرساخت‌های شهری، تبریز، <https://civilica.com/doc/448305>

- زال، ابوذر (۱۳۸۶). ارزیابی و سنجش پایداری اجتماعی و نقش عوامل جغرافیایی مؤثر بر آن در مناطق روستایی شهرستان خرمبید پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس
 - صالحی میلانی، ساسان، محمدی، مریم (۱۳۸۹). اهداف و شاخص‌های تحقق پایداری فرهنگی، نشریه مدیریت شهری، سال نهم، شماره ۲۷، ۹۸-۸۱
 - فرهودی، رحمت‌الله؛ رهنمایی، محمدتقی؛ تیموری، ایرج (۱۳۹۰) سنجش توسعه پایدار محله‌های شهری با استفاده از منطق فازی و سیستم اطلاعات جغرافیایی مطالعه موردی: منطقه ۱۷ شهرداری تهران. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی شماره ۷۷ صفحات ۸۹-۱۱۰
 - کریمی، سرگل؛ توکلی نیا، جمیله (۱۳۸۸). جایگاه توسعه در مقیاس خرد و محله‌ای در توسعه پایدار شهری (نمونه موردی: محله اوین)، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)، تابستان ۱۳۸۸، دوره ۱، شماره ۳؛ از صفحه ۸۱ تا صفحه ۹۲.
 - مافی، عزت‌الله؛ داوری نژاد مقدم، مسعود (۱۳۹۱). شناخت ابعاد پایداری و ارتقا آن به‌منظور دستیابی به توسعه پایدار شهری، ۱۳۹۱، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار و عمران شهری
 - مهین نسترن، وحید قاسمی، صادق هادی زاده زرگر (۱۳۹۲). ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی با استفاده از فرآیند تحلیل شبکه- (ANP)، ۱۳۹۲ تابستان، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۴ شماره ۲۳ صفحه ۱۵۵ تا ۱۷۳
 - نظر پور، محمدتقی (۱۳۷۸). ارزش‌ها و توسعه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
 - نوانبخش، مهرداد؛ ارجمند سپاه پوش، اسحاق (۱۳۸۸). مبانی توسعه پایدار شهری، چاپ اول، انتشارات جامعه شناسان تهران
- Andrea Colantonio, Social sustainability: a review and critique of traditional versus emerging themes and assessment methods, Original citation: Originally published in Horner, M. Price, A. Bebbington, J. and Emmanuel, R. (eds.) SUE-Mot Conference 2009: Second International Conference on Whole Life Urban Sustainability and its Assessment: conference proceedings. Loughborough: Loughborough University, 2009, pp. 865-885.
 - Concepts, Duxbury, Nancy & Gillette, Eileen (2007). culture as key Dimension of sustainability exploring themes, and models, creative city Network of Canada

- <https://icom.museum/en/resources/standards-guidelines/museum-definition/>
- Sara S. Brophy and Elizabeth Wylie, Green museum: A Primer on Environmental Practice, 2013, ALTAMIRA PRESS,
- Sarah Sutton (2015). Environmental Sustainability at Historic Sites and Museums, Rowman & Littlefield Publishers
- the green movement. Museum News, September/October 2006, pp. 38-45
- Volker Kirchberg (2015). Museum sociology Routledge International Handbook of the Sociology of Art and Culture,